

## پیش‌خوانی

«تاریخ آل سعود»

در آیینه اثری پژوهشی و نوانتشار

### برکشیده یهود!

■ **عبدالله امینی پور**



کتابی که در این مختصر

در پی معرفی آن به شما گرامیان هستیم، ترجمه جلد نخست تاریخ آل سعود نوشته شهید ناصرالسعید است. کتاب در دهه ۷۰ میلادی، حدود ۵۰ سال پیش نوشته شده است و

نویسنده به‌رغم سکونت در خارج از عربستان، پس از چاب و نشر این اثر، با حمایت خاندان سلطنتی آل سعود تزور شد و جان باخت؛ وی در کتاب هزار و ۴۰۰ صفحه‌ای خویش، به بررسی جوانب گوناگون اندیشه و عمل اعضای خاندان آل سعود از نظر فساد و انحرافات اخلاقی-سیاسی پرداخته و کوشیده است کند. نگارش کتاب، هم‌عصر با دوران پادشاهی فهد بن عبدالعزیز بوده و بیشتر رسوایی‌های این پادشاه گزارش شده است. در موضوع محتوای کتاب، نکات ذیل درخور توجه خوانندگان است:

۱-صفحات نخستین آن به بررسی شجرنامه خندان

آل سعود می‌پردازد و ثابت می‌کند ریشه و تبار این خانواده به یهود بازمی‌گردد (۱) چنانکه ویژگی‌های نژاد یهود گزارش شده است از آیات قرآن کمک گرفته می‌شود.

۲- در ادامه چگونگی حمایت از جنبش محمد بن عبدالوهاب که به پیدایش اندیشه و فرقه وهابیت انجامید گزارش شده است. مراحل قرار گرفتن رهبری دینی در دست محمد بن عبدالوهاب و واگذاری رهبری سیاسی عربستان به آل سعود -که توسط یهودیان بریتانیا و امریکا طراحی شد و به اجرا در آمد- شرح داده می‌شود.

۳- نویسنده تلاش کرده است تمامی جوانب و اقدامات مجرمانه خاندان آل سعود را از قلم نیندازد، از این رو در ادامه به گزارش جنایات و قتل‌عام‌های ایزان بر ضد قبایل، سران و شیوخ عربستان می‌پردازد و برای اثبات گفته‌های خود از تصاویر، عکس‌ها و گزارش جاسوسان، مأموران و دیپلمات‌ها استفاده



می‌کند (۲) تا فسادهای اخلاقی و سیاسی را افشا کند.

۴- از تباط تنگاتنگ و ژرف خاندان سلطنتی با انگلیسی‌ها در قرن گذشته میلادی و اکنون با امریکایی‌ها گزارش می‌شود، چنانکه به معرفی بیگانگان و خدمات سرویس‌های جاسوسی بریتانیا و امریکای می‌پردازد.

۵- روابط نزدیک، اما مجرمانه خاندان سعودی با بن‌گزیون، بنیانگذار رژیم اسرائیل و حمایت‌های آل سعود از این رژیم گزارش می‌شود که در جلد دوم خواهد آمد.

۶- در تیب خاصی در درج مطالب کتاب نبود، مثلاً از ابتدای پیدایش این خاندان اقدامات تجاری، جنگی، سیاسی، اجتماعی و… همچنین تا آخرین حاکم آل سعود و کارهای پیش و پس از روی کار آمدن مطالب آغاز و پایان نیافته است.

۷- گزارش‌گذاری از فعالیت‌های سیاسی و زندانی شدن نویسنده نیز آمده است.

۸- خیانت‌های رژیم به فلسطین بر شمرده شده، جنایات خاندان سعودی در داخل و ذکر اسامی شهیدان و مبارزان آمده و به قیام‌های مردمی اشاره شده است.

۹- اشغال شهرها و مناطق عربستان، نابود کردن اماکن تاریخی-مذهبی، قتل، غارت و مفاسد اخلاقی اسان نیز گزارش شده است.

۱۰- مطالبی درباره هاشمیان - شریف‌زادگان (شراف یا شرفا) حاکمان پیشین مکه و حجاز آمده و مقایسه‌ای بین عملکرد اینان و سعودیان انجام شده است.

۱۱- بیان نمونه‌هایی از تحجر گرایى و عملکرد ارتجاعی سعودیان و مخالفت با پدیده‌های پیشرفته در آغاز حکومت بر عربستان نیز از دیگر مطالب کتاب است.

در باب این اثر، تذکار بدین مهم نیز جالب توجه است که تاکنون ترجمه تمامی اثر چاب و منتشر شده و به بازار نیامده بود، بلکه گزیده‌هایی از آن، چه به صورت مکتوب و چه بر سایت‌های خبری، سیاسی و مذهبی آمده و برای نخستین بار است که توسط نشر راه نیکان همه کتاب ترجمه و چاپ می‌شود. گرچه اوضاع سیاسی-مذهبی، به‌خصوص منطقه در زمان حاضر شاید مقتضی پرداختن به این موضوع نباشد و چالش‌برانگیز باشد و ناهمخوان با وحدت و تقربیب مسلمانان شمرده شود، اما نمی‌توان منکر واقعیت‌های تلخ تاریخی شد. البته مخاطب کتاب عام نیست و ویژه پژوهشگران تاریخ است که غیرجانبدارانه محتوای آن را ارزیابی می‌کنند و می‌سنجند.



ناو وینسنس، حمله به هواپیمای غیرجنگی، روایت یک تناقض امریکایی

# تشویق فرمانده

# به دلیل تشخیص اشتباه!

■ **احمد رضا صدقی**
**آنچه در این مقال بدان اشارت می‌رود، روایت یکی از تلخ ترین طنزهای تاریخ معاصر است: هواپیمایی غیرنظامی از مبدأ ایران و بر فراز آب‌های خلیج فارس به پرواز درمی‌آید. این هواپیمای مسافربری از سوی ناو وینسنس مورد حمله قرار می‌گیرد و منفجر می‌شود، کاپیتان ناو بعدها مدعی می‌شود که در شناخت نظامی یا غیر نظامی بودن این هواپیما دچار اشتباه شده است و نهایتاً پس از تمامی فعلل و انفعالات این پرونده، کاپیتان مورد اشاره در مراسم رسمی از سوی مسئولان مربوطه در امریکا مورد تشویق قرار می‌گیرد؛ اما به گمان این قلم، همین یک پرده از نمایش تراژیک امریکا علیه ملت ایران، برای فهم ماهیت خصومت‌های این دولت علیه انقلاب اسلامی و ملت ایران کافی است؛ خصوصتی که امروز پس از ۳۰ سال، خود را در نمایش اعصاب و اغتشاش ظاهر کرده است و مباد که ما حوادث امروزین را بدون شناخت و ملاحظه آن باز بخوانیم.**

■ ■ ■

■ **توجه امریکایی برای یک جنایت!**
در دوازدهمین روز از تیرماه ۱۳۴۸، هواپیمای مسافربری ایران بر فراز آب‌های خلیج فارس به سفر خویش ادامه می‌داد که بناگاه از سوی کاپیتان راجرز، فرمان شلیک موشک به سوی آن صادر شد، بازتاب‌های گسترده این جنایت بزرگ، سران امریکا را به تدارک توجه وادار ساخت، و پرداخته شدن یکی از شاخه‌های توجیه به سازمان نشنال جئوگرافی سفارش داده شد. بخشی از برون داد جنایت به شمار می‌رود، این قرار است:

«همانگونه که مشاهده می‌کنید، سرعت، ارتفاع و رنج پرواز همه حاکی از پروازی عادی برای هواپیمای مسافربری است، اما به دلایلی که بعداً مشخص خواهد شد، به دروغ اعلام شد که هواپیما در حال کاهش ارتفاع به سمت ناو است! آخرین هشدارها از سوی افسر رادار به هواپیمای ایرانی داده می‌شود.

لحظات به کندی می‌گذرد، اما کاپیتان راجرز هنوز دستور حمله را صادر نکرده است! ساختار در این لحظه کاپیتان رضاییان آخرین تماس خود را با بندرعباس برقرار می‌کند و بسا آرزوی روزی خوب برای همه از مسئول برج حفاظتی می‌کند. ویل راجرز بعدها در مقابل دوربین نشنال جنوگرافی با قیافه‌حق‌به‌جانم اعلام می‌کند که من آن روز به‌رغم هشدار همکارانم که وخیم بودن اوضاع را یادآوری می‌کردند، تا نزدیک شدن به ۱۰ مایلی ناو هیچ اقدامی انجام ندادم! راجرز به این امیداست که درواپسین لحظات هواپیمای ایرانی به هشدارها پاسخ دهد، اما وقتی می‌شود در حال کاهش ارتفاع است، تصمیم نهایی را می‌گیرد و بلافاصله کلید گارد شلیک آتش را فعال می‌کند. با فعال شدن کلیدهای آتش، به طور اتوماتیک سیستم موشکی ناو، تغذیه می‌شود و دو موشک کروز را آماده شلیک نگه می‌دارد. او از یکی از افسران می‌خواهد که دستور آتش را صادر کند! فشردن دکمه شلیک مجاز که فقط افسران ارشد مجاز به فشردن آن هستند، آخرین مرحله آغاز ترازدی خونباری است که در آب‌های خلیج فارس رقم می‌خورد. بلافاصله دو موشک به فاصله کمتر از چند ثانیه به سمت هدف تعیین شده شلیک می‌شود. در مانیتورهای مرکز اطلاعات ناو، مسیر حرکت دو موشک کروز به خوبی مشخص است. موشک‌ها هر لحظه به هدف تعیین شده نزدیک و نزدیک‌تر



نمایش از پیکر شهیدان سقوط‌هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو وینسنس امریکا

«مردم شریف ایران باید توجه کنند که امروز، روز مبارزه و جنگیدن با تمام شیاطینی است که حقوق حقه تمامی پابرهنگان جهان را صرف عیش و نوش و تهیه سلاح‌هایی می‌نمایند که برای همیشه، حاکم دنیای گرسنگان باشند. جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و وینسنس نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابر قدرت‌های شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم؛ جنگ ما جنگ پابرهنگی علیه خوشگذرانی‌های مرهقین و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی‌شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلخی کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی- انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوشگذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی‌هاست. زرمندگان ما در دنیای پاک اعتقاد و در جهان ایمان تنفس می‌کنند و مسلمین جهان هم که می‌دانند جنگ بین استکبار و اسلام است، جهانخواران را آرام نخواهند گذاشت و ضربه‌های خود را بر همه کاخ‌نشینان وارد می‌کنند. مردم شریف ایران نیز بدانند که این روزها دست‌های ناپاک شرق و غرب برای هدم اسلام و مسلمین در یکدیگر گره خورده است، باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی‌مان در جبهه‌ها از بین برود. برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم. مسئولان نظام باید تمامی همّت خود را در خدمت جنگ صرف کنند. این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسائلی که مربوط به جنگ است به وجود آوریم، باید همه برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذانبش به سوی جبهه ر کنیم. امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است، غفلت از مسائل جنگ، خیانت به رسول الله- صلی الله علیه و آله و سلم- است. اینجانبان جان ناقابل خود را به زرمندگان صحنه‌های نبرد، تقدیم می‌نمایم.»

■ **با ملت ما می‌تواند این جنایت را فراموش کند؟**

رهبر معظم انقلاب در طول سه دهه اخیر، بارها در سخنان و تحلیل‌های خویش به تحلیل رویداد سقوط هواپیمای مسافربری ایران توسط نام وینسنس پرداخته‌اند. ایشان در اردیبهشت ۹۶ در دیدار با جمعی از کارگران و معلمان گفتند: «دولت امریکا، همان دولتی است که افسر جانی‌کارش دستور تیر داد، موشک شلیک کردند، هواپیمای مسافربری چند صد نفره را در دریا ساقط نمودند و مرد و زن و کوچک و بزرگ را نابود کردند و دولت امریکایی افسر را محاکمه نکرد و شنیدیم که رئیس‌جمهور فعلی امریکا، به آن افسر مدال لیاقت داده است! اینها، اینطور هستند.»

آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی دیگری در اولین روز از فروردین ۸۸ در جوار مضع شریف رضوی(ع) بار دیگر بدین شرح به تحلیل این واقعه پرداختند: «در آخر جنگ، هواپیمای مسافربری ما را در آسمان خلیج فارس افسر امریکایی با موشکی که از ناو جنگی شلیک کرد، ساقط کرد. قریب ۳۰۰ نفر مسافر در این هواپیما بودند که همه‌شان کشته شدند. بعد به جای اینکه آن افسر توبیخ شود، رئیس‌جمهور وقت امریکا به آن افسر پادش و مدال داد. ملت ما اینها را فراموش کند؟ می‌تواند فراموش کند؟»

و نهایتاً یکی از آخرین بیانات رهبری «درباره این فاجعه بزرگ، که به خطبه‌های نماز عید فطر سال ۹۴ باز می‌گردد:

«یک نکته‌ای در خلال حرف‌های رئیس‌جمهور امریکا در این چند روز وجود داشت و آن اعتراف به اشتباهات گذشته امریکا بود؛ البته مشتی از خروار را ایشان گفت. اعتراف کرد که در بیست‌وهشتم مرداد، امریکایی‌ها در ایران خطا کردند؛ اعتراف کرد که در کمک به صدام حسین، امریکایی‌ها خطا کردند؛ دو سه مورد را گفت، [آنها] مورد مسأله را نگفت؛ ۲۵ سال حکومت ظالمانه و جزائنه پهلوی دؤم را نگفت؛ شکنجه‌ها، غارت‌ها، کشتارها، جنایت‌ها، فاجعه آفرینی‌ها، از بین بردن عزّت ملت ایران، لگد کوب کردن منافع داخلی و خارجی ملت ایران را که به‌وسیله امریکا انجام گرفت نگفت، تسلط صهیونیست‌ها را نگفت، نابود کردن مسافرین هواپیمای مسافربری را به‌وسیله شلیک موشک از دریا با یک جنگ هوشد شما را به رخ خواهد کشید، همچنان که شما امروز اشتباه گذشتگان را به رخ می‌کشید، شما هم دارید اشتباه می‌کنید، بیدار شوید، از اشتباه خارج شوید، حقیقت را بفهمید. در منطقه اشتباهات بزرگی را دارند مرتکب می‌شوند.»

## درد

**هواپیمایی غیر نظامی از مبدأ ایران و بر فراز آب‌های خلیج فارس به پرواز در می‌آید. این هواپیمای مسافربری از سوی ناو وینسنس مورد حمله قرار می‌گیرد و منفجر می‌شود، کاپیتان ناو بعدها مدعی می‌شود که در شناخت نظامی یا غیر نظامی بودن این هواپیما دچار اشتباه شده است و نهایتاً پس از تمامی فعلل و انفعالات این پرونده، کاپیتان مورد اشاره در مراسم رسمی از سوی مسئولان مربوطه در امریکا مورد تشویق قرار می‌گیرد!**

هواپیما همان موقع قایق‌های سیاه رسیدند و نگذاشتند جلوتر برویم. گفتند فاصله بگیرید، ممکن است چیزی منفجر شود و تر کشش بخورد به شما. لنج‌ها و قایق‌های دیگر هم رسیدند. همه دور بودیم اما دریا را می‌دیدیم که پر از لباس‌های پاره‌پاره شده بود. تکه‌های هواپیما را هم از دور روی آب می‌دیدیم. عصر دیگر کار نکردیم. برگشتیم خانه. کم‌کم تکه‌های هواپیما آمد سمت ساحل جزیره. آن طرف، سمت اسکله بودند. تکه‌های بزرگ، کوچک، حتی پنجره و تکه‌های باله‌های هواپیما معلوم بود. فردایش رقتیم ماهیگیری اما دور از جایی که هواپیما افتاده بود. ما که موتور لنج داشتیم و ارتفاعمان از آب موقع ماهیگیری زیاد بود، بسا اینکه دور بودیم اجساد را می‌دیدیم روی آب. جسد که پیدا می‌کردیم می‌رقتیم به قایق‌های سیاه می‌گفتیم بیایند ببرندشان. برداشتن جسد‌ها از روی آب سخت بود. سوخته بودند. سوخته و نیم‌سوخته و تکه‌تکه. لباس به تشنان پاره شده بود. دیدن این صحنه‌ها برایمان خیلی سخت بود. آن روز اصلاً کار نکردیم. روزهای بعدش هم همینطور. اصلاً کُسی دل و دماغ نداشت. نمی‌گذاشتیم کسانتی که طاقث ندارند نیت بیایند روی آب. بچه‌ها را هم با خودمان نمی‌بردیم. نباید اینها را می‌دیدند. خیلی‌ها حتی کنار ساحل هم نمی‌آمدند. می‌گفتند: مرده می‌آید.»

■ **قطعه‌نامه شجورای امنیت، به‌رقم تراز آنچه تصور می‌رفت**
شورای امنیت در تاریخ ۳۰ ژوئیه ۱۹۸۸ (۷/۱۲۹/ ۶۷) قطعنامه شماره ۶۱۶ را در شرح زیر تصویب کرد. «تفاهم بشنوان از منظر سطحی به‌استطاح قطعنامه، به تأثیر کانون‌های قدرت جهانی بر سازمان‌های ظاهرا بی‌طرف بین‌المللی پی برد؛ تأثیراتی که این نهادها را به صورت اثت فعل ابرقدرت‌ها در آورده یا دست‌کم تأثیر آنها را از بین برده است:

«شورای امنیت، با بررسی نامه مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۸۸ جانشین نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران خطاب به رئیس شورای امنیت و بااستماع بیانات نماینده جمهوری اسلامی ایران و سخنان نماینده ایالات متحده امریکا با ابراز تأسف عمیق هم‌زمان با ساقط شدن هواپیمای مسافربری ایران در این منطقه اعلام می‌دهد که این دستور صادر شده تا هواپیمای مسافربری ما مورد هدف قرار گیرد. در واقع فرمانده ناو امریکایی، هر که را به وی نزدیک می‌شد، مورد اصابت موشک قرار می‌داد و قدرت تصمیم‌گیری خود را از دست داده بود. زمانی که ما به آنها پیام می‌دادیم که در آب‌های سرزمینی ما هستیم، می‌گفتند که ما در آب‌های بین‌المللی قرار داریم. صدای پیام‌ها و اخطارهای فرمانده ناو چه جوشن به ناو امریکایی و پاسخ‌های مهیم و بی‌سر و ته آنها موجود است. زمانی که هواپیم مورد هدف قرار گرفت، من به همراه تیمی که در اختیار داشتیم در کوهک تهران در حال تمرین برای انجام یک مأموریت برون‌مرزی در یکی از پایگاه‌های عراق بودیم که فرمانده وقت نیروی دریایی ژوزف جانشین خود ایلان کرد که ما بلافاصله و با همان پرسنل به محل اعزام شویم، ما هم با همان لباس‌های ورزشی قرمز رنگ که در حال تمرین توکاندو بودیم، به فرودگاه مهرآباد رقتیم و به منطقه اعزام شدیم و در همان روز حادثه در محل حادثه حضور پیدا کردیم. زمانی که به منطقه رسیدیم، ۴ نفر از غواصان منطقه یکم دریایی بندرعباس در حال جست‌وجو بودند و ما هم بلافاصله وارد عمل شدیم. حدود یک هفته تا ۱۰ روز حتی فرصت نکردیم لباس‌های خودمان را عوض کنیم. هوا به قدری گرم و عملیات به اندازه‌ای فشرده بود که نمی‌توانستیم از غذاهای متداولی که در جیره‌های غذایی وجود داشت استفاده کنیم و ما تنها غذایی که در طول این مدت استفاده می‌کردیم نان، پنیر و هندوانه بود.»

■ **می‌گفتند: مرده می‌آید!**

ساکتان محلی درباره مکان فرود هواپیما در دریا و آن روزها و صحنه‌های دلخراش شنیدنی‌هایی قابل استناد دارند. نانداعلی قویدل -که در آن روزها نخدای یک لنج بوده- درباره شرایط روزهای پس

از این واقعه می‌گوید:
«ناخدای موتور لنج بودم. ماهیگیر قیل از اینکه خوششید بالا بیاید باید روی دریا باشد. طرف‌های ساعت ۱۰ دیگر ماهیگیری‌مان تمام شده بود، داشتیم تور را جمع می‌کردیم که برگردیم. هواپیما فاصله زیادی با ما نداشت که منفجر شد اما چون سسر و صدای موتور لنج زیاد است، صدای زیادی نشنیدیم. موتور لنج را راه‌انداختم که برویم سمت آمده است:

# عاریخ

کفتوگو ۸۸۴۹۸۴۷۹

# ۹ جوان